



۱۹۰ کنشگر مدنی و فعال سیاسی اصولگرا و اصلاح طلب بیانیه مشترک امضا کردند

بایسته‌های دفاع میهنی

زمان ارتفاع گیری ملی است نه صف آرایی و جبهه سازی داخلی

گزارش

الهام یوسفی

گروه سیاسی

جنگی که اسرائیل و آمریکا علیه ایران به راه انداختند، به رغم همه خسارت‌هایش، تحولات مثبتی را هم به دنبال داشت. یکی از این تحولات، همصدایی، هم‌کلامی و هم مسأله‌شدن ۱۹۰ چهره سیاسی و فعال اجتماعی و استاد دانشگاه اصولگرا و اصلاح‌طلب است. این بیانیه که روز گذشته در اختیار «ایران» قرار گرفت، هم از نظر محتوا قابل اعتنا است و هم از نظر تنوع اسامی امضا کننده. از محمدرضا جلایی‌پور اصلاح‌طلب تا سیداحسان خاندوزی وزیر اقتصاد دولت سیزدهم، سجاد صفارهرندی چهره دانشگاهی

اصولگرا تا اسماعیل گرامی مقدم سخنگوی حزب اصلاح طلب اعتماد ملی، مجید شاکری تحلیلگر اقتصادی اصولگرا تا سینا کلهر معاون وزیر ورزش در دولت سیزدهم، میثم مهدیار فعال فرهنگی اصولگرا تا محمد عطریان فر از حزب کارگزاران سازندگی. به این فهرست می‌توان بیژن عبدالکریمی استاد فلسفه، علی سرزعیم اقتصاددان، محسن بهاروند دیپلمات سابق، محسن یزدان‌پناه عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان، محمد مهدی مجاهدی استاد علوم سیاسی، بهاره آروین عضو سابق شورای شهر، جعفر خیرخواهان اقتصاددان، محمدحسین نعیمی‌پور، ابراهیم آزادگان استاد دانشگاه صنعتی شریف، حمید رضا فولادگر نماینده اصولگرای فعلی و ادوار مجلس، علی نصیری اقدم استاد دانشگاه علامه طباطبائی و میلاد گودزی عضو جریان عدالتخواه اصولگرا که

سابقه فعالیت در وزارت اقتصاد دولت سیزدهم را دارد هم اضافه کرد. مرور ۱۹۰ امضا نشان دهنده شکل‌گیری وفاق و اتحاد است یا هر نام دیگری که می‌توان برای کنایه‌هم قرارگرفتن این نام‌ها انتخاب کرد. آنچه این نام‌ها را، به رغم تفاوت رشته‌های تحصیلی و پژوهشی و به رغم تفاوت در نگرش‌های سیاسی و گرایش‌های اجتماعی، کنار هم قرار داده است، همان است که در عنوان این متن آمده است: «بایسته‌های دفاع میهنی.»

بیانیه این ۱۹۰ چهره که آن را می‌توان نمادی از صدای واحد از ایران در مقابل دشمن مشترک بیرون توصیف کرد، ۴ محور دارد. این بیانیه «مردم عزیز ایران» و «نیروهای اجتماعی و سیاسی هم‌وزن» را مخاطب قرار داده و تأکید دارد که «جنگ تحمیل‌شده، قدرت و تمامیت ایران عزیز ما را نشانه گرفته بود.» در ادامه، هدف نوشتن و امضای این متن را از این بخش مقدمه

افزودند: «نباید از مذاکره گریخت... اما هرگونه تعامل باید با هوشیاری کامل و با فرض بدترین سناریو و تداوم ائتلاف آمریکا و اسرائیل دنبال شود و طرح‌های بدیل برای هر سناریویی آماده باشد. در این فرض، ... مسیر ایجابی و واقع‌نگرانه، تقویت هم‌زمان همه مؤلفه‌های قدرت ملی ایران - نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و رضایت عمومی شهروندان - و دستیابی به امنیت مبتنی بر انواع بازدارندگی معتبر است و طراحی ائتلاف‌ها و بازی‌های برد-برد جدید در منطقه.» «فوریت خلق رضایت عمومی در چهارچوب اصلاحات واقع‌نگرانه» به عنوان «بایسته سوم» مطرح و تصریح شده است: «انتظار اصلاحات باید واقع‌نگرانه باشد: ساختن دستاوردهای پرشمار کوچک و بزرگ کردن آنها؛ از جمله تلاش برای بازگشت مرجعیت رسانه‌ای به رسانه ملی و ارتقای حکمرانی در فضای مجازی (که اقتضای کاهش نارضایتی و تهدیدهای امنیتی است)». نویسندگان، «بایسته چهارم» را «مقاومت در مقابل تعلیق کار و زندگی» خوانده و نوشتند: «یکی از اهداف بزرگ جنگ، تحمیل وضعیت تعلیق و نااطمینانی و بی‌ثباتی و بی‌آفتی به کشور است... در این شرایط مقاومت در مقابل تعلیق، بازگشت به زندگی و کمک به خلق آفق‌های روشن که برای مردم ایران و کشورهای منطقه و جدآور باشد یک ضرورت همگانی است؛ از سیاست‌های اقتصادی محرک تقاضا تا کنش‌های اجتماعی برای حفظ روند کار مولد و روح زندگی در ایران.»



دوقطبی‌سازی در این فضای پس از آتش بس دوری کرد. نباید این همبستگی به نفع گروهی خاص مصادره شود.» در ادامه این بخش، تصریح شده است: «روایت‌هایی که در قالب سرزنش قربانی سیاست‌های ایران را عامل جنگ می‌خواند، مقدمه انشقاق و نزاع داخلی و گاهنده توان ایران در برابر ایران‌ستیزان است. امروز زمان ارتفاع‌گیری ملی است و نه صف‌آرایی‌های سیاست داخلی و جبهه‌سازی و تکرار مطالبات تحقق نیافتنی و سیاست ستیز.»

۱۹۰ فعال سیاسی و مدنی و دانشگاهی، «بایسته دوم» را «توسعه، امنیت و مذاکره» نامیدند و

تقویت انسجام در چهارچوب هویت فرهنگی

حفظ و تقویت انسجام ملی باید مبتنی بر چهارچوب جوهره فرهنگی و هویت ایرانی باشد. در واقع آن جوهره فرهنگی ایرانیان که به وجه تاریخی انباشت شده و در حافظه و نهادهای تاریخی ما رسوب کرده، آن پتانسیل‌های فرهنگی ایرانیان که در خودگاه و ناخودگاه جمعی و تاریخی ما حضور دارد که شامل صفات و ارزش‌هایی چون توحید، حب اهل بیت(ع)، خرد، مدارا، قنوت، دادگری، دهشگری و روحیه حماسی است، باید مبنای همبستگی اجتماعی و ملی قرار گیرد. به عنوان مثال یکی از خصیصه‌های ایرانیان در طول تاریخ، قنوت و جوانمردی بوده و همین صفت است که سبب می‌شود افراد در سیل، زلزله و کرونا دور هم جمع شوند و به یکدیگر کمک کنند و این صفت را ما در جوامع



میثم مهدیار
استاد
جامعه‌شناسی
دانشگاه علامه
طباطبائی

دیگر به شکلی جمعی و ملی شبیه ایران کمتر شاهد هستیم. برای مثال در آمریکا یا کشورهای اروپایی کمتر شاهد این حرکت‌ها هستیم. یکی دیگر از خصیصه‌های تاریخی ما مسأله داد و دهش است. دادگری و دادخواهی و دهش‌گری و بخشندگی از اصلی‌ترین گزاره‌های هویتی ما بوده است. برای مثال در شاهنامه به عنوان یکی از متون تاریخی ما که نقش عمده‌ای در شکل‌دهی به فرهنگ عمومی ما طی هزار سال داشته به مسأله، قنوت و داد و دهش توجه شده است. به عبارتی شاهنامه خردمداری، دادگری و دادخواهی و دهش‌گری را در کنار هم آورده و این امر به یکی از خصیصه‌های ایرانیان در جوهره فرهنگی تبدیل شده است و ما می‌توانیم از این ویژگی‌ها و خصایص برای ایجاد انسجام ملی استفاده کنیم و هر چیزی را که خلاف این گزاره‌ها و خصیصه‌هاست کنار بگذاریم. برای مثال یکی از آسیب‌هایی که سیاست‌های اقتصادی بازارگرایانه می‌زند، آسیب به همین خصیصه‌هاست. یعنی فرهنگ ما یک فرهنگ مبتنی بر قنوت، جوانمردی و جمع‌گرایی بوده در حالی که سیاست اقتصادی مدرن بیشتر مبتنی بر نفع‌گرایی، فردگرایی و رقابت است و تبدیل وضعیت اقتصادی ما به سیاست اقتصادی بازارگرایانه قطعاً به آن جوهره فرهنگی آسیب می‌زند و با این فرهنگ نامتناسب است. یکی از کارهایی که نباید انجام شود تبدیل سیاست اقتصادی به همین وضعیت است.

ضرورت تقویت مؤلفه‌های نرم و سخت

گرایش به توافق‌گرایی در دولت و بخشی از نیروهای سیاسی، سرمایه مهمی برای تقویت همبستگی ملی است و اگر نبود دستاوردهایش در تعلیق گشت ارشاد و انجام مذاکرات، در خود جنگ اسرائیل علیه ایران هم شاهد این میزان همبستگی نمی‌بودیم. نمونه‌ای دیگر از این همبستگی، همین بیانیه است که برای اولین بار در این سال‌ها توسط چهره‌هایی از دو جریان رقیب امضا شده است. نیروهای مختلف سیاسی که پیش از این بیانیه مشترکی ن داده بودند اکنون چنین کرده‌اند. این اتفاق نویدبخش امکان توافق‌های حل مسأله‌ای جدید و تقویت میانه توافقی ساز در کشور است. این بیانیه تأکید می‌کند که شرایط شکنندگی آتش بس و تهدیدهای بزرگ علیه قدرت و تمامیت ایران، بسیار ضروری است که همبستگی ملی حفظ و فراگیرتر شود و همه مؤلفه‌های قدرت ملی، از جمله قدرت اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی و رضایت عمومی، تقویت شود و بر محاسبات بازیگران سیاسی، بویژه متجاوزان، اثر بگذارد. یکی از لوازم اساسی این تقویت، پرهیز از دوقطبی‌سازی در داخل کشور است. در این وضعیت پرمخاطره، نیروهای سیاسی چه در حاکمیت و چه خارج از حاکمیت باید به سمت کاهش شکاف‌ها حرکت کنند و از خودسرنشسی پرهیز و برای افزایش ظرفیت حل مسأله توافق‌سازی کنند. در این راستا، دیپلماسی، توان نظامی، تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی باید هم‌زمان تقویت شود. یک تأکید مهم این بیانیه هم توجه ویژه به مؤلفه‌های کلان‌ساختاری و ژئوپلیتیک و ژئوآکونومیک است. بمباران دمشق جولانی از سوی نتانیاهو هم شاهد جدید و ضاعفی بود برای اینکه هدف اسرائیل برتری منطقه‌ای است و مسأله‌اش قدرت و یکپارچگی ایران و سایر کشورهای بزرگ منطقه است. در این بستر کلان‌ساختاری منطقه‌ای، ایران هم با ترکیب قدرت نرم و سخت و تمرکز همه نیروهای ملی بر تقویت این ترکیب و ساختن ائتلاف‌های تغییردهنده صحنه در منطقه است که می‌تواند مانع تجاوز مجدد شود. مطمئناً مسیر پیش رو آسان نیست، اما از جمله مستلزم این است که به هر میزان ممکن با گام‌های متقابل حاکمیت و نیروهای اجتماعی و سیاسی شکاف‌ها کمتر و همبستگی ملی بیشتر شود.



محمدرضا جلایی‌پور
پژوهشگر
سیاست و
اجتماع

بعد از یک دوره دشوار که کشورها به مدت ۱۲ روز درگیر جنگی پیچیده بود، اکنون در مرحله‌ای قرار داریم که چالش‌های متعددی را پشت سر گذاشته‌ایم. جنگی که بویژه در برابر قدرت‌های بزرگ و به نفع اسرائیل و بر ایران تحمیل شد، اما ایران توانست با سربلندی و پیروزی از آن عبور کند. این دوران سختی، تبعات زیادی به همراه داشت. از جمله آنکه کسب‌وکارها در بسیاری از حوزه‌ها دچار رکود شدند. از بازارهای داخلی گرفته تا صادرات و واردات، زندگی روزمره مردم با تعلیق و تعطیلی روبه‌رو شد. شرایطی که به کاهش فعالیت‌های تجاری، از حمل‌ونقل هوایی و دریایی گرفته تا زمینی، انجامید. اما مهم‌ترین موضوعی که باید به آن توجه کرد، امید به آینده است. ما هرچقدر که در مواجهه با چالش‌ها و سختی‌ها به تلاش و کوشش خود ادامه دهیم، بازگشت به وضعیت عادی ممکن خواهد بود. در حقیقت، امید به آینده به عنوان یک عامل محرک و انگیزشی برای بازسازی و پیشرفت عمل می‌کند. امید به آینده زمانی عملی می‌شود که هر فرد در جامعه تلاش کند تا از شرایط کنونی عبور کرده و به سمت فردایی بهتر حرکت کند. اما این تلاش به تنهایی کافی نیست. برای اینکه این امید به واقعیت تبدیل شود، نیاز است که حاکمیت و مردم به طور مشترک در مسیر تلاش و پیشرفت گام بردارند. مردم که در کنار نیروهای نظامی ایستادند و از بسیاری از ترفندها و راهبردهای دشمنان جلوگیری کردند، اکنون نیز شایسته‌اند که نیازهای خود را در این دوران بازسازی برآورده ببینند. با همت و تلاش جمعی، بویژه همکاری حاکمیت و مردم، می‌توان کشور را به دوران رونق اقتصادی بازگرداند.

یادداشت



اسماعیل گرامی مقدم
سخنگوی حزب
اعتماد ملی

تدوین راه حل بر اساس تغییرات جدید

یکی از چالش‌های عمده‌ای که در جامعه نخبگانی ایران با آن روبه‌رو هستیم، تکرار مداوم راه‌حل‌های قدیمی و بی‌توجهی به تغییرات جدید است. آنچه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی به عنوان راه‌حل‌های موفق مطرح شد، امروز در دهه ۱۴۰۰ همچنان به عنوان نسخه‌های حل مشکل مطرح می‌شود. این در حالی است که واقعیت‌های جدید اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، دیگر آن راه‌حل‌ها را به عنوان راهکارهای عملیاتی و اجرایی نمی‌پذیرد. هرچند ممکن است آن راه‌حل‌ها در زمان خود کاربرد داشته باشند، اما امروز با تغییرات سریع در دنیای پیرامونی و تحولاتی که در جایگاه ایران در سطح جهانی رخ داده است، دیگر نمی‌توان به این نسخه‌های قدیمی اتکا کرد. ادامه تکرار آنها در شرایط کنونی نه تنها بی‌اثر است، بلکه تنها به نوعی مانور تبلیغاتی تبدیل می‌شود که هیچ‌گونه کارکرد عملی در حل مسائل امروز ندارد.



مجید شاکری
تحلیلگر
اقتصادی

نکته مهم‌ترین است که رویکرد عملی‌تری باید در پیش گرفته شود. نخبگان باید به واقعیت‌های جهان امروز نگاه کنند و تغییرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که در سطح جهانی و منطقه‌ای رخ داده‌اند را ببینند. تغییرات در جایگاه ایران از دهه ۷۰ تا امروز به‌طور واضح به سمت تغییرات مثبتی در حال حرکت است و باید راه‌حل‌های جدید، مبتنی بر این تغییرات طراحی شوند. یکی از ابعاد دیگر این موضوع، ضرورت همدلانه بودن فراخوان‌ها، نامه‌های سرگشاده و مطالبات نخبگانی است. به این معنا که اگر نخبگان و فعالان حوزه‌های مختلف، خواهان تغییرات اساسی هستند، نباید تنها به شعار دادن بسنده کنند. برای اینکه این خواسته‌ها اثرگذار باشد، باید مطالبات به راه‌حل‌های خاص، سنجش‌پذیر و اجرایی تبدیل شوند. نامه‌های سرگشاده باید از کلی‌گویی به جزئیات بروند و باید با ادبیاتی همراه شوند که بتوانند مستقیماً به سیاست‌گذاران ارائه شوند. سخنرانی‌ها و نامه‌های سالانه با زبان‌های کلی و بدون توجه به تحولات جدید، بیشتر به نوعی بهانه‌جویی و تکرار شعارهای گذشته تبدیل می‌شوند. این نوع اقدامات هیچ‌گونه تأثیری بر فرآیند تصمیم‌گیری ندارند و تنها یادآوری‌هایی از گذشته می‌شوند که هیچ نسبتی با نیازهای امروز جامعه ندارند. به باور من برای اثرگذاری واقعی و تغییر در وضعیت، نخبگان باید به‌طور جدی و عملیاتی به مسائل نگاه کنند و خواسته‌های خود را به شکلی تبدیل کنند که بتواند به راه‌حل‌های اجرایی و قابل سنجش تبدیل شود.

#دولت_کنار_مردم

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات



وزارت کشور



وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی



همراه با ایستادگی ملت ایران، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف دولت همه تلاش‌ها و تدابیر خود را برای مدیریت کشور در شرایط جنگ تحمیلی و رفع و تأمین نیازهای مردم در حوزه‌های مختلف معطوف کردند. مجموعه اقدامات، تدابیر و برنامه‌های دولت را باید همچون زنجیره‌ای به هم پیوسته در نظر گرفت. زنجیره‌ای که یک سر آن به مرزها و کمرکات کشور برای تأمین ورود کالاهای اساسی می‌رسد، با یک سر آن به مزارع گندم و چای می‌رسد و سردیگران به نام کالاهای اساسی و دارویی که مردم در شهرها و خیابان‌های خود دریافت می‌کنند. خدمت مهم تردیگر دولت در این روزها، تأمین و پرداخت خسارت ایرانیانی است که در تجاوز دشمن، خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند یا خانه و کاشانه آنان آسیب دیده است. در این صفحه تلاش شده است بخشی از این اقدامات دولت، نه در قالب کلام، بلکه در قالب تصویر بیان شود.

وزارت آموزش و پرورش



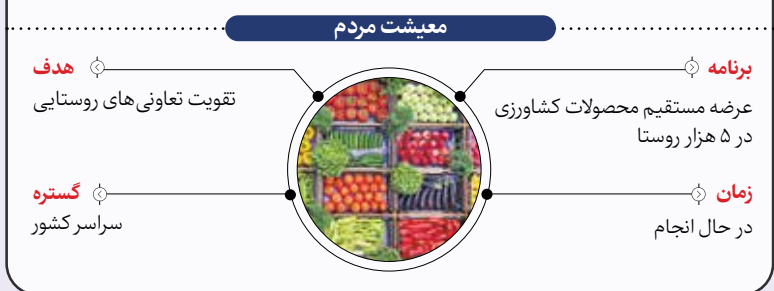
وزارت راه و شهرسازی



ساخت مسکن



وزارت جهاد کشاورزی



وزارت صنعت، معدن و تجارت



وزارت نیرو

